



بررسی کهن الگوهای سایه و نقاب در شخصیت عنتره بن شداد عبسی بر اساس نظریه روانشناختی تحلیلی
یونگ

چیمین محمدی بایتمبر^۱، شرافت کریمی^۲، هادی رضوان^۳

۱- کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان

۲- استادیار دانشگاه کردستان

۳- دانشیار دانشگاه کردستان

چکیده

نقد کهن‌الگویی از زیرشاخه‌های نقد روان‌شناختی است. کهن‌الگوها انگاره‌هایی یکسان و مشترک در ذهن و ضمیر ناخودآگاه افراد بشر هستند که در هر عصری به شکل باورهای رایج آن دوره خود را نشان می‌دهند... این نوع تحلیل یکی از روش‌هایی است که می‌توان از طریق آن به شخصیت، حالات روحی، ذهنیات، عواطف، تجارب تلخ و شیرین، غم‌ها، شادی‌ها و ناکامی‌های صاحبان آثار ادبی پی برد. صور مثالی (کهن‌الگوها) مظاهر گوناگونی دارند که برخی از آن‌ها را بدین گونه می‌توان طبقه‌بندی کرد: مادر، پیر خردمند، کودک، قهرمان، آنیما، آنیموس، خود، سایه، نقاب و... این عناصر در ناخودآگاه ذهن همه‌ی افراد بشر ریشه دارند و پدیدآورندگان آثار هنری با پیوند با لایه‌های ناخودآگاه با گذشته و آینده ارتباط برقرار می‌کنند. سایه کهن‌الگوی تیرگی و سیاهی و سرکوبی و بیانگر ویژگی‌هایی است که افراد دوست ندارند به وجود آن‌ها اعتراف کنند، بلکه می‌کوشند آن‌ها را از خودشان و دیگران پنهان کنند. سایه با پنهان‌کاری هم سرشت است. از همین رو پنهان‌کاری و هر چیزی که باعث می‌شود دست به پنهان‌کاری بزنیم و نقابی متضاد با آنچه در درون داریم به چهره بزنیم باعث تقویت سایه می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی دو کهن‌الگوی سایه و نقاب (پرسونا) در معلقه‌ی عنتره شاعر عصر جاهلی پرداخته است، نتایج به دست آمده بیانگر این موضوع است که نظریه‌های جدید در آثار پیشینیان قابل بررسی است و می‌توان درونیات آنان را با توجه به آثاری که خلق می‌کنند شناخت. **واژگان کلیدی:** ناخودآگاه جمعی، یونگ، نقاب، سایه، عنتره